


The Analysis of the Basics of the Goals, Principles and Methods of Rational Education Based on Shahid Motahari's Perspective (For the Formal Education System)

Maryam Ashuri¹ | Mohsen Khoshnamvand² 

Research Paper

Received: 25 January 2020
Revised: 01 November 2021
Accepted: 15 December 2021
Published: 22 November 2022
P.P: 317-348

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



Abstract

The main goal of the current research is to analyze the foundations, goals, principles and methods of rational education from the perspective of Martyr Motahari for the formal education system. The method used in this article is a qualitative method written in a descriptive and inferential analytical way. The society of analysis is a collection of his books, descriptions and articles. The findings indicate that he has defined and explained the goal of rational education in the sense of creating the necessary grounds for the cultivation of the intellectual faculty, in order to achieve and reach the status of a complete human being, and addressing and paying attention to this educational dimension is one of the requirements of all systems, especially The formal education system has taken into account, because the great mission of this system is to cultivate critical thinking, conscious thinking and correct judgment. The most important principles of intellectual education from the point of view of this famous philosopher are: "Practical reason is affected by the states of the soul", "Thinking and learning are the basic elements of the education of reason", "The difference in human minds is essential", "All the laws of reason are with human nature. is coordinated" and Then the principles of rational education were mentioned (the principle of training practical reason through self-cultivation, the principle of rationality, the principle of the necessity of learning science, the principle of believing in the naturalness of differences in intellect in humans, the principle of aligning education and training with human nature, etc.). Finally, the methods and solutions of rational education were discussed, and some of these solutions are the method of cultivation, the method of getting used to thinking and rationalizing, the method of education based on individual differences, and the method of modeling and being a role model.

Keywords: Islamic Education, Shahid Motahari, Rational Education, Basics of Rational Education, Principles of Rational Education, Methods of Rational Education.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.56.9.8

1. Corresponding author : Ph.D. Candidate, Department of philosophy of Islamic education and training of Al-Zahra University. Maryameashouri@yahoo.com
2. Ph.D. in Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



تحلیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری (برای نظام تعلیم و تربیت رسمی)

مریم عشوری^۱ | محسن خوشناموند^۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر شهید مطهری برای نظام تعلیم و تربیت رسمی است. روش مورداستفاده در این مقاله روش کیفی است که به شیوه توصیفی و تحلیلی-استنباطی نگاشته شده است. جامعه تحلیل، مجموعه کتاب‌ها، شرح‌ها و مقالات ایشان است. یافته‌ها حاکی از این است که وی هدف تربیت عقلانی را به معنای ایجاد زمینه‌های لازم برای پرورش قوه عاقله، جهت دستیابی و رسیدن به مقام انسان کامل تعریف و تبیین نموده است و پرداختن و توجه به این بُعد تربیتی را از ملزومات کلیه نظام‌ها بالأخص نظام تعلیم و تربیت رسمی لحاظ کرده است، به سبب این‌که رسالت عظیم این نظام پرورش قوه نقادی، تفکر آگاهانه و قضاوت صحیح است. مهم‌ترین مبانی تربیت عقلانی از منظر این فیلسوف شهیر عبارت است از «عقل عملی متأثر از حالات نفس است»، «تفکر و تعلم ارکان اساسی تربیت عقل است»، «تفاوت در عقول آدمیان امری ذاتی است»، «کلیه قوانین عقل با فطرت آدمی هماهنگ است» و... سپس به اصول تربیت عقلانی اشاره گردید (اصل تربیت عقل عملی از طریق تزکیه نفس، اصل تعقل، اصل لزوم علم‌آموزی، اصل باور نسبت به طبیعی بودن تفاوت عقل در آدمیان، اصل همسویی تعلیم و تربیت با فطرت انسانی و...). در نهایت به روش‌های و راهکارهای تربیت عقلانی پرداخته شد که برخی از این راهکارها عبارت‌اند از روش تزکیه، روش عادت به تفکر و تعقل، روش آموزش مبتنی بر تفاوت‌های فردی و روش الگوسازی و الگوپذیری. **کلیدواژه‌ها:** تربیت اسلامی؛ شهید مطهری؛ تربیت عقلانی؛ مبانی تربیت عقلانی؛ اصول تربیت عقلانی، روش‌های تربیت عقلانی.

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

Maryameashouri@yahoo.com

۲. دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران

© نویسنده گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

با نگاهی به تاریخ اندیشه بشری می‌توان دریافت که همواره نقطه نظرات متفاوت و دیدگاه‌های متکثر در مورد تعریف عقل و کارکردهای آن وجود داشته است و بالطبع همین تفاوت در دیدگاه‌ها، موجب گردیده رویکردهای متنوع و متفاوتی در مورد روش‌های پرورش عقل یا تربیت عقلانی به وجود آید. به طوری که حتی آن دسته از مکاتبی که به عقل‌گرایی معروف‌اند گاه از ارائه مفهومی روشن از عقل و عقلانیت عاجز مانده‌اند.

در اندیشه اسلامی نیز به پرورش جنبه‌های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و پرورش آن است و بعد عقلانی به عنوان استعدادی است که در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است و این استعداد به خودی خود شکوفا نمی‌گردد بلکه برای پیمودن راه تکامل نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان ضرورت پیدا می‌کند. اهمیت تربیت عقلانی به حدی است که حتی برخی آن را، شرط توفیق تربیت در سایر جنبه‌های انسانی مانند بعد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی و... دانسته‌اند (مرزوقی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). زیرا در سایه تربیت و پرورش صحیح قوای عقلی، انسان می‌تواند به خود شکوفایی، خود پروری و استكمال در همه ابعاد رشد نائل آید (گوتک، ۱، ۱۳۸۰: ۵۵) و به گونه‌ای متعادل و خردمندانه تمامی ابعاد رشد را با حاکمیت عقل به سمت درست زیستن هدایت کند.

نقش و جایگاه تربیت عقلانی در سازندگی فرد و جامعه آن‌چنان بارز است که حتی برخی از اندیشمندان، قسمی از چالش‌های اخلاقی در عصر مدرنیته را منوط به کم‌رنگ شدن نقش عقل در زندگی دانسته‌اند که آن نیز به نوبه خود محصول عدم تربیت صحیح عقلانی است. به‌طور کلی جامعه‌ای که توجه کافی به پرورش بعد عقلانی در انسان نداشته باشد در نهایت در تمامی ابعاد دچار افراط و تفریط می‌گردد در چنین جامعه‌ای، انسان به دورافتاده از تفکر، علل عقب‌ماندگی‌های خود را به هر چه غیر از ضعف عقلانیت خویش نسبت می‌دهد و این آغاز بی‌هویتی انسان و مغفول واقع شدن سایر مبانی دینی و معنوی او خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲). این در حالی است که در اسلام تعقل و پروراندن بعد عقلانی انسان برای استكمال نفس لازم شمرده شده است به طوری که

در قرآن لغت عقل پنجاه بار به کاررفته و سیزده بار در پایان هر استدلال «أَفَلَا تَعْقِلُونَ، أَفَلَا تَتَّقُونَ» تکرار شده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۲۸). در نهج البلاغه نیز (حکمت ۴۲۱) که تالی قرآن و زبان دیگر اسلام است به تربیت عقلانی اهمیت خاصی داده شده است و خوشبختی آدمی در گرو این نیرو و لحاظ شده است «كَفَّاكَ مِنْ عَقْلِكَ، مَا أَوْصَحَ لَكَ سُبُلَ عَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ» از خرد و عقل تو این بس که راه گمراهی ات را از راه رستگاری ات بنماید. علاوه بر متون اسلامی تربیت عقلانی از دیدگاه اکثر فلاسفه اسلامی متقدم نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و با صراحت می توان اذعان کرد که در میان فلاسفه مسلمان کسی را نمی توان یافت که اهمیت و ضرورت عقل را در تربیت آدمی انکار کرده باشد. فلاسفه معاصر نیز به نقش عقل تأکید فراوانی داشته اند از این میان می توان به مطهری از فیلسوفان، مسلمان معاصر اشاره کرد. وی پرورش عقل را منظور اصلی تربیت می داند و می گوید «آنجا که راجع به عقل و تعقل در مقابل علم و تعلم بحث می شود نظر به همان حالت رشد عقلانی و استقلال فکری است که انسان قوه استنباط داشته باشد» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۹). ایشان ضمن مقایسه عقل و تعقل با علم و تعلم، اهمیت عقل و تعقل را نسبت به علم بیشتر دانسته و اصولاً هدف آموزش و پرورش را «پرورش عقل» می داند و می گوید در آموزش و پرورش، هدف باید رشد فکری دادن به متعلم و به تبع آن جامعه باشد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۴). به هر حال، ضرورت تبیین تربیت عقلانی، امری محرز است و نادیده گرفتن و یا کوتاهی در تدوین برترین راهکارهای مربوط به آن، فرد و جامعه را در رسیدن به سعادت دچار سردرگمی می کند.

۲. مبانی نظری

اگرچه مورخان تاریخ فلسفه اسلامی ظهور مباحث عقلی و فلسفی در جهان اسلام را مقارن با شروع «نهضت ترجمه» یاد می کنند، پاره ای از شواهد و منابع موجود، «حیات عقلی» مسلمانان را به زمان غرس شجره طیبه اسلام توسط رسول گرامی (ص) در مدینه برمی گرداند. لذا از همان آغاز درخشش آفتاب معنوی اسلام بر بام اندیشه مسلمین، شکوفه های میوه عقلانیت از شاخه های روئیده بر درخت تنومند مکتب توحید سر برزد و در کمترین مدت در اثر گسترش شعاع آن در سرزمین های خارج از حجاز، در میان دیگر ملل و نحل نیز علوم مختلف به ویژه تعلیمات کلامی و فلسفی نضج گرفت و به اوج خود رسید (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۱).

جنب‌داری اسلام به‌عنوان آغازگر، مباحث تربیت عقلانی را می‌توان به وجود آموزه‌های فراوان اسلام در مورد عقل و چگونگی تربیت آن و در نهایت نیل آدمی به تکامل و رسیدن به معنویت نسبت داد (صادقی، ۱۳۸۸: ۴۶). استاد مطهری نیز خاستگاه، حیات عقلانی مسلمانان و اهتمام و توجه به مقوله عقل در تربیت آدمی را در متن و آموزه‌های اسلام جست‌وجو می‌کند و معتقد است که پس از ظهور اسلام، توجه به مباحث عقلانی در میان مسلمانان با هدایت‌های کتاب و سنت به‌خصوص سخنان فلسفی علی (ع) آغاز شده و آنچه در قرن دوم هجری رخ نمود و از آن به‌عنوان «عصر ترجمه» یاد می‌شود، در پرتو چنین آموزش‌ها و تعالیمی بوده است. حیات عقلی مسلمین مقارن است با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی بوده است و قرآن کریم تکیه فراوانی به حیات عقلی دارد و خود پاره‌ای از استدلال‌ات قیاسی و منطقی به کار برده است و در کلمات مأثوره از رسول اکرم (ص) و بالخصوص در آثار مرویه از علی (ع) بحث‌های عقلی دقیق و عمیق فراوان است» (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۱)؛ بنابراین یافته‌ها در این پژوهش با بهره‌گیری از اندیشه و آثار استاد مطهری که مصادیق بی‌شماری برای اندیشه و تفکر دارد خواستار تدوین نظامی برای تربیت عقلانی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی در قالب مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی است.

۳. پیشینه پژوهش

اگرچه مقوله تربیت عقلانی و نقد و بررسی مؤلفه‌های آن موضوعی است که اخیراً در مباحث تخصصی تعلیم و تربیت مطرح گردیده است و پژوهش‌های جامعی در این زمینه انجام نگرفته است، ولی به چند نمونه از جدیدترین تحقیقات در این زمینه اشاره می‌گردد.

نصرآبادی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان بررسی تربیت اخلاقی از منظر مطهری و ویلیام جیمز^۱ به این نتیجه رسیده است که تشخیص حسن و قبح اعمال اخلاقی در دیدگاه مطهری از طریق عقل و تربیت عقلانی در آدمی میسر می‌شود و در مکتب جیمز از طریق میل و رغبت.

عشوری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «موانع تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری» به این نتیجه رسیده است که موانع را می‌توان به سه قسم اخلاقی، اجتماعی و جسمی تقسیم نمود که

1. William James

بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به تربیت عقلانی، متابعت از نفس است ایشان در این مقاله پیروی از تابوها، استفاده از مشروبات و عادت‌ها را از موانع تربیت عقل لحاظ کرده است. ایمانی (۱۳۷۸) نیز در کتابی تحت عنوان *تربیت عقلانی* به بررسی جایگاه، اهمیت و نقش عقل از دیدگاه فلاسفه و اخلاقیون پرداخته است، سپس به تبیین اهم عوامل مؤثر در رشد عقل اشاره کرده و این عوامل را شامل خلقت و فطرت، وراثت و محیط، تفاوت‌های فردی، تلاش فرد و... در نظر می‌گیرد.

وجه تشابه تحقیقات فوق با تحقیق حاضر در مبحث تربیت عقلانی است اما تحقیق حاضر خواستار تدوین نظام تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری است.

۴. روش پژوهش

رویکرد تحقیق حاضر، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی-استنباطی است (کیانی و صادق زاده، ۱۳۹۰). تحقیق، توصیفی-تحلیلی است، زیرا که بر اساس متون دست‌اول و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. همچنین توصیفی است زیرا هدف محقق از انجام این پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع (نادری و نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲) تحت عنوان بررسی و تبیین تربیت عقلانی در اندیشه و آثار استاد مطهری می‌باشد از سوی دیگر تحلیلی است به این خاطر که هدف از آن، تحلیل و روشنگری مفاهیم است (مفهوم عقل، مفهوم تربیت عقلانی و...) (باقری، ۱۳۸۷: ۲۷۲). همچنین تحقیق حاضر استنباطی است زیرا حاصل آن تبیین دلالت‌ها و راهکارهای تربیتی حاصل از مباحث فلسفی اسلامی در قالب‌هایی همچون: مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی برای تبیین نظام تعلیم و تربیت رسمی است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۶).

۵. سؤالات پژوهش

از این‌رو هدف اصلی و اساسی مقاله حاضر بررسی و تحلیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر استاد مطهری (برای نظام تعلیم و تربیت رسمی) است. بدین‌جهت در راستای پاسخگویی به اهداف مذکور سؤالاتی مطرح می‌گردد که پاسخگویی به این سؤالات می‌تواند زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای برنامه‌ریزان آموزشی و متصدیان تربیتی فراهم آورد تا

آن‌ها بتوانند با اقتباس از دیدگاه‌های تربیتی این اندیشمند زمینه‌های پرورش و تربیت صحیح در تمامی ابعاد از جمله بعد عقلانی را برای نسل کنونی و نسل‌های آتی فراهم آورند.

۱. تربیت عقلانی در اندیشه استاد مطهری دارای چه معنا و مفهومی است؟
۲. مبانی تربیت عقلانی در اندیشه مطهری کدام است؟
۳. اهداف تربیت عقلانی در اندیشه مطهری کدام است؟
۴. اصول و روش‌های تربیت عقلانی با تکیه بر مبانی، در اندیشه مطهری کدام است؟

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. یافته‌های مربوط به پرسش اول

۶-۱-۱. مفهوم‌شناسی «تربیت عقلانی» بر مبنای سخنان شهید مطهری

تربیت عقلانی واژه‌ای مرکب از دو مفهوم تربیت و عقلانیت است ابتدا با مفهوم‌شناسی این واژگان در اندیشه استاد مطهری می‌پردازیم و با جمع‌بندی از این مفاهیم به مفهوم مرکب تربیت عقلانی در اندیشه استاد مطهری می‌پردازیم.

استاد مطهری در تعریف تربیت می‌گوید: تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادها و درونی‌ای که بالقوه در یک شیء موجود است. ایشان معتقد است که تربیت تنها در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندارها به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۵۵۱).

«عقل واژه‌ای عربی است که از حیث مفهوم با «عقال» تناسب دارد» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱: ۱۲۵۳) و «عقال در لغت به معنای زانوبند شتر است» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۹: ۳۲۶) زانوبندی که طغیانگری و سرکشی شتر را مهار می‌کند. بر این اساس «عقل، عقل نامیده شده است زیرا غضب و شهوت سرکش را می‌بندد و عقال می‌کند (غضب و شهوت) را مهار می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۷۰). مطهری در تعریف عقل آورده است: «عقل قوه عمل در مدرکات است که آن‌ها را از صورت محسوس و متخیل به صورت معقول درمی‌آورد و در معقولات به ترتیب خاصی که استدلال نامیده می‌شود عمل می‌کند و نتیجه این عمل این است که به سرمایه اولی می‌افزاید»

(مطهری، ۱۳۸۵: ۳۱۶). ایشان در تعریف دیگر عقل می‌گویند: عقل نیرو و قوه تجزیه و تحلیل و تمیز است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۶۹۵) که قادر است قضایا را به یکدیگر ربط دهد، یعنی مقدمات را به دست آورد و نتایج را پیش‌بینی کند (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۵۲۴). تعاریف فوق مبین این نکته است که عقل و خرد در آدمی از یک سو جداکننده و بازشناساننده شر و باطل و از سوی مهارکننده نفس سرکش است.

تربیت عقلانی مفهوم جدید است و مانند دیگر ابعاد تربیت بدان پرداخته نشده است در زیر به برخی از تعاریف، تربیت عقلانی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران اشاره می‌شود. سعید بهشتی در تعریفی از تربیت عقلانی با تکیه بر نهج البلاغه چنین آورده است که تربیت عقلانی از دیدگاه حضرت علی (ع) مترادف است با: «مجموعه تدابیر و روش‌های مستخرج از سخنان امام علی که به‌طور منظم و سازمان‌یافته، موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن، در جهت دستیابی به اهداف واسطه‌ای «علم، ایمان و عمل» و نیل به هدف غایی «قرب الهی» فراهم می‌آورند» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). مرزوقی در تعریف کلی‌تری تربیت عقلانی را به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر در انسان در نظر می‌گیرد (مرزوقی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). با توجه به دیدگاه‌ها و نقطه نظرات بررسی شده، به نظر می‌رسد که شهید مطهری تربیت عقلانی را به معنای ایجاد زمینه‌های لازم برای پرورش قوه عاقله، جهت دستیابی به قرب الهی تعریف و تبیین نموده است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۲۳۹).

۲-۶. یافته‌های مربوط به پرسش دوم

۱-۲-۶. مبانی تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری

مبانی جمع‌مبنا و به معنای اساس، پی و زیرساخت می‌باشد و مبانی تعلیم و تربیت را می‌توان مجموعه دانش سازمان‌یافته درباره ریشه‌ها و عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت دانست. از مجموعه بیانات استاد مطهری، گزاره‌هایی به شرح زیر به دست می‌آید که مبانی تربیت عقلانی از منظر وی را تشکیل می‌دهد.

۲-۲-۶. عقل عملی متأثر از حالات نفس است

شهید مطهری صفات اخلاقی را مهم‌ترین عامل مؤثر بر عقل عملی در نظر می‌گیرد. ایشان معتقدند که برخی عوامل در حکم فاعل بالعرض یعنی عامل غیرمستقیم بر عقل آدمی تأثیر می‌گذارند و تأثیر آن‌ها را نمی‌توان انکار کرد ایشان در تصدیق سخن خویش به ذکر روایات اسلامی و آیات قرآنی می‌پردازند که چگونه تأثیر هواپرستی و از کف دادن زمام تقوا در تاریک شدن روح و تیرگی دل و خاموش شدن نور عقل مؤثر است و این مطلب را با ذکر روایتی از حضرت امیرالمؤمنین تبیین می‌نماید که فرموده‌اند: هر کس نسبت به چیزی محبت مفرط پیدا کند، چشم وی را کور می‌کند و قلب او بیمار می‌شود و باز سخنی دیگر از حضرت را نقل می‌کنند که می‌فرمایند: «خودپسندی انسان یکی از چیزهایی است که باعقل وی حسادت و دشمنی می‌ورزد» و باز حضرت می‌فرمایند: «بیشتر زمین خوردن‌های عقل آنجاست که برق طمع جستن می‌کند» از این رو مطهری تأثیر فضایل اخلاقی از جمله تقوا را در روشنایی عقل تصدیق می‌کند و حرکت آدمی به سمت تأدیب نفس را مترادف با بازگشایی دریچه حکمت و بینایی بصیرت می‌داند و تأثیر همه این موارد را در عقل عملی در نظر می‌گیرد، یعنی هر آنچه انسان در راه تأدیب نفس خویش قدم گذارد بهتر درد و دواى خود و راهی که باید در زندگی پیش بگیرد، می‌شناسد؛ و این‌ها هیچ‌گونه ارتباطی به عقل نظری ندارد، یعنی مقصود این نیست که آدمی اگر تقوا داشته باشد بهتر دروس ریاضی و یا طبیعی را می‌فهمد و یا بهتر می‌تواند مشکلات آن علوم را حل کند بلکه موجب می‌گردد آدمی بهترین انتخاب را برای زیستن و در نهایت رسیدن به قرب الهی مدنظر بگیرد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۷۱۸-۷۱۰). ایشان در این زمینه به آیه ۲۹ سوره انفال اشاره کرده است که خداوند فرموده است «کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد» مطهری در این آیه تمیز و تشخیص را همان قوه عقل در انسان در نظر گرفته است که در اثر نور الهامی خدا به انسان عنایت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۴: ۵۲۴). ایشان معتقد است «بالاترین دشمن عقل، نفس اماره است» و این که آدمی همواره تحت سیطره حکومت هوی و هوس قرار گیرد (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۷: ۷۱۳). چنانچه می‌گوید: در هر مسئله‌ای تا انسان خود را از شر اغراض بی‌طرف نکند نمی‌تواند صحیح فکر کند: یعنی عقل در محیطی می‌تواند درست عمل کند که هوای نفس در کار نباشد (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۶: ۶۶) و در

صورت تبعیت از هوی و هوس، کانون عقل و اندیشه مسخر دل و خواهش‌های نفسانی می‌گردد و اسارت اندیشه و لذت از گناه مجال حیات معقول را به آدمی نخواهد داد. مطهری بر این عقیده است که آدمی بایستی بر نفس خویش مسلط باشد و در راستای شناخت «خود» جهد نماید تا درب تمامی حقایق بر او گشوده گردد. او در باب اهمیت شناخت نفس، گفتار گانندی را مَثَل بسیار جامعی می‌بیند که می‌گوید: «در دنیا فقط یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی نفس است. هر کس خود را شناخت، خدا و دیگران را شناخته است و؛ هر کس خود را نشناخت، هیچ‌چیز را نشناخته است» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۳۰۶) او بر این عقیده است کسی که به خودآگاهی در مورد ذات خود رسید در حقیقت نیروی حکومت و تسلط بر خویش را کشف کرده است؛ همان نیروی که انسان را از هر گونه عدم و تصور و وهمی می‌رهاند و آدمی را در شناسایی کنه هستی یاری می‌دهد و موجب بسط و توسعه حیات آدمی می‌گردد و این شناخت را در پرتو بیگانگی نفس با امیال شهبوانی و خواهش‌های نفسانی میسر می‌داند و انسان غریب از نفس اماره را در ارزیابی‌ها، داوری‌ها و جهت‌گیری‌ها و احساسات انسانی متعادل و رشد یافته در نظر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۳۲۵-۳۰۳).

۳-۲-۶. تفکر و تعلیم، ارکان اساسی تربیت عقل است

از منظر مطهری تفکر قوه‌ای است در انسان که از عقل او ناشی می‌شود و انسان به سبب آن که موجود عاقلی است، موجود متفکری است و قدرت دارد در مسائل فکر کند و به واسطه تفکری که در مسائل می‌کند می‌تواند حقایق را تا حدودی که برایش مقدور است کشف کند، خداوند تبارک و تعالی عقل را به انسان عنایت کرد که با آن فکر کند، یعنی مجهولات را کشف کند انسان، جاهل به دنیا می‌آید و وظیفه دارد که با فکر و علم‌آموزی، عالم شود (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۳۶۹). از منظر شهید مطهری اسلام دینی است که در تمامی ارکان زندگی از جمله اصول دین آدمی را همواره به تعقل و تفکر واداشته است ایشان در این زمینه معتقدند که «در اصول دین اسلام، جز عقل هیچ‌چیز دیگری حق مداخله ندارد؛ یعنی اگر از شما پرسند که یکی از اصول دین شما چیست، گویند «توحید» و اگر دوباره پرسند به چه دلیل به خدا ایمان آورده‌اید، اسلام جز از راه عقل از شما قبول نمی‌کند. اگر بگویند من خودم قبول دارم که خدا یگانه است، دلیلی هم ندارم، اسلام می‌گوید: نه اگر به وجود خدای یگانه اعتقاد داشته باشی و آن اعتقاد ریشه‌اش از

تأثیرات محیطی یا خانوادگی باشد، مورد پذیرش نخواهد بود، جز تحقیقی که عقل فرد با دلیل و برهان، آن را به دست آورده باشد. هیچ چیز دیگری مورد پذیرش نخواهد بود و این دیدگاه درست برعکس اصول ایمان مسیحیت است. به سبب آن که اصول ایمان مسیحیت، منطقه‌ای ممنوع برای ورود عقل است و وظیفه یک مؤمن مسیحی حفظ این منطقه از هجوم قوای عقلی و فکری است. ولی ایمان در اسلام، منطقه‌ای است که غیر از عقل هیچ قدرت دیگری حق مداخله در این منطقه را ندارد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۱۸۵).

مطهری با اشاره به حدیثی که در اصول کافی از امام صادق روایت شده به تبیین اهمیت عقل ورزی می‌پردازد در این حدیث آمده است «لَا يُفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ وَلَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ» کسی که تعقل نمی‌کند و درست نمی‌اندیشد هرگز رستگار نمی‌شود و کسی که علم ندارد تعقل صحیح ندارد، یعنی عقل به علم زیاد می‌شود. ایشان در توضیح این حدیث می‌فرمایند: «عقل یعنی قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا، یعنی مقدمات را به دست آوردن و نتایج را پیش‌بینی کردن عقل از علم مایه می‌گیرد عقل چراغی است که نفت آن چراغ، علم است» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۵۲۴). علم، عقل را تربیت می‌کند و پرورش می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۶۹۹). ایشان تعلم را نیز از ارکان تربیت عقل در نظر گرفته است و در این زمینه سخن پیامبر را آورده است که فرموده‌اند «من فرستاده شدم برای تعلیم» در آن داستان معروف که پیامبر وارد مسجد شدند و دو حلقه جمعیت دیدند که در یکی مردم مشغول عبادت بودند و در دیگری مشغول تعلیم و تعلم، فرمودند هر دو کار خوب می‌کنند ولی من برای تعلیم فرستاده شده‌ام و بعد خود حضرت در آن جمعی نشستند که مشغول تعلیم و تعلم بودند بنابراین هدف اسلام عالم بودن و پرورش قوای عقلانی امت خویش است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۵۳۱).

۴-۲-۶. تفاوت در عقول آدمیان امری ذاتی است

مطهری با اشاره به حدیث نبوی معروفی که در کافی ضبط شده و ایشان وجود و تصدیق این حدیث را در کتب اهل تسنن نیز تصدیق نموده‌اند به تبیین تفاوت عقول آدمیان به عنوان امری ذاتی پرداخته‌اند و این حدیث را رسول اکرم می‌فرمایند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» ما پیغمبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم، یعنی ظرفیت عقل و سطح فکر فرد را در نظر می‌گیریم و متناسب با عقل و فکر خود او حرف می‌زنیم؛ یعنی با آنکه سطح

فکرش بالاتر است در سطح بالاتر و با آنکه سطح فکرش پایین تر است در سطح پایین تر گفتگو می کنیم و باز مطهری با استناد به نهج البلاغه عقل را بر دو گونه تقسیم می کند: عقل مطبوع و عقل مسموع سپس در تعریف عقل مطبوع می گوید: «عقل مطبوع یعنی آن عقلی که از طبیعت و سرشت آدمی سرچشمه می گیرد و عقل مسموع همان عقلی است که از طریق شنیده ها حاصل می آید. آنگاه تقدم عقل مطبوع به مسموع را ذکر می کند که اگر فردی فاقد عقل فطری یا مطبوع باشد، عقل مسموع یا عقلی که از طریق شنیده ها و تجارب بیرونی حاصل می آید، برای او فایده نخواهد داشت» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۵۲۶-۵۲۵).

۵-۲-۶. کلیه قوانین عقل با فطرت آدمی هماهنگ است

به نظر استاد مطهری پذیرش و وارد کردن عقل در حریم دین از خصوصیات اسلام است که در وضع قوانین و مقررات خود رسماً احترام به فطرت و وابستگی خود به قوانین فطری را اعلام نموده است به همین جهت امکان جاودانگی به قوانین اسلام داده است. به نظر ایشان هیچ دینی مانند اسلام با عقل پیوند نزدیک نداشته است و برای او حق قائل نبوده است. چنانچه فقهای اسلام میان عقل و شرع پیوند ناگسستنی قائل اند و آن را «قاعده ملازمه» می نامند و می گویند: هر چه را عقل دریابد، شرع بر طبق آن حکم می کند و هر چه حکم کند مبنای عقلی دارد. عظمت و دخالت عقل در کلیه امور زندگانی چنان است که می تواند قانونی را تقیید و یا تحدید کند و یا آن را تعمیم دهد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۳: ۱۹۰).

از منظر شهید مطهری فطرت آدمی طالب اموری مانند حقیقت جویی، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و زیبایی، گرایش به ابداع و خلاقیت و عشق و پرستش می باشد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۳: ۵۰۰-۴۹۲)؛ یعنی گرایش، تمامی انسان ها به امور فوق ناشی از ویژگی های است که در اصل خلقت و آفرینش خوددارند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۳: ۴۵۵) و عقل در راستای فطرت و هماهنگی با این امور فطری راه را به آدمی می شناساند و هیچ گونه منافاتی بین قوانین عقلی و این امور مشاهده نمی شود.

۶-۲-۶. نقش محیط اجتماعی در تربیت عقل بارز است

از منظر مطهری هر فکر و اندیشه‌ای برای این که رشد کند و باقی بماند زمینه روحی مساعدی می‌خواهد اگرچه تأثیر جو اجتماعی بر روی عقاید را نمی‌توان، تأثیر مستقیم بدانیم، لیکن این تأثیر به نحو غیرمستقیم در ذهن و اندیشه آدمی مؤثر است. یعنی جو فاسد اجتماعی جو روحی را فاسد می‌کند و جو فاسد روحی زمینه رشد اندیشه‌های متعالی را ضعیف و زمینه رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند. به همین جهت شهید مطهری با الهام از اندیشه‌های اسلامی، اهتمام در اصلاح محیط اجتماعی را شرط لازم برای تربیت عقل در نظر می‌گیرد و بر این اعتقاد است که جوامعی که قصد دارند زمینه‌های رشد فکری پست را در جوامع دیگر تکثیر دهند، زمینه فساد اخلاقی و عملی را برای آن جوامع فراهم می‌آورند؛ و برای فراهم کردن این زمینه، محیط اجتماعی را با وسایلی که در اختیار دارند فاسد می‌نمایند تا از این طریق عقل دیگران را، به گمراهی بکشانند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱: ۵۶۸).

۶-۲-۷. عقل دارای استقلال و آزادی است

شهید مطهری وجه مشترک بین انسان و حیوان را در سلسله غرایزی می‌داند که هر دو دارا می‌باشند. در عین این که غرایز مربوط به آدمی را بیشتر می‌داند او در این زمینه می‌گوید فصل ممیز انسان و حیوان در این است که آدمی قادر است بر ضد مقتضای غرایز، بااراده‌ای که آن اراده تابع نیروی عقل و اندیشه، افعال و اعمال خود را شکل دهد مثلاً تشنگی یک حیوان منوط به رفع این نیاز می‌باشد و این اراده خودبه‌خود در او پیدا می‌شود تا نیاز خود را برطرف کند ولی انسان را نسبت به غرایز آزاد می‌بیند، یعنی انسان در عین تشنگی، توان مقاومت دارد و انسان نسبت به تمامی غرایز خود آزاد است که آن‌ها را تابع عقل و اندیشه خود کند. مطهری، انسان را مخلوقی می‌داند که خداوند او را اسیر غرایز نیافریده است یعنی انسان مکلف است و این مکلف بودن تنها در کودکی معنا ندارد یعنی انسان تا کودک است هنوز خصلت حیوان را دارد؛ یعنی تابع همان محرکات غریزی محض می‌باشد و لذا زمان که کودک بیمار می‌شود نمی‌توان او را قانع کرد که علت منع او بسیاری از چیزها چیست و یا علت این که در بیماری نباید برخی غذاها را بخورد، چیست. ازاین‌رو از منظر شهید مطهری، عقل آدمی قادر است انسان را از محرکات درونی و تحریکات داخلی به سمت محرومیتی سوق دهد که رهاورد آن آزادی و تعالی اندیشه است و در

تمثیل این مطلب می‌توان به روزه اشاره کنیم که تبعیت از آن معنایش این است که من یک موجود کمال یافته‌ای هستم که اسیر تحریکات غرایز خودم نیستم و می‌توانم غرایزم را در خدمت عقل و آزادی برخاسته از عقلانیت قرار دهم (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۸: ۱۹۱). مطهری تعصب و تبعیت کورکورانه از گذشتگان و یا اتکای محض به استدلال‌های ذهنی دیگران را مطرود قلمداد می‌کند به سبب آن که تقلید و یا قیاس از دیگران در تعارض با صفات بارز عقل است. ایشان در تبیین موارد فوق به اندیشه‌ها و مسائل فقهی اهل تسنن در اعصار اولیه اسلام اشاره کرده است که چگونه عالمان اهل تسنن، با قیاس (استدلال‌های ذهنی)، و یا انکار نقش عقل، برای خرد و عقل آدمی جایگاهی در حد افراط و تفریط قائل شدند و مردمان زمان خویش را به سمت جهالت و انقیاد فکری رهنمون کردند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۷۸-۸۳).

۶-۳. یافته‌های مربوط به پرسش سوم

۶-۳-۱. اهداف تربیت عقلانی در اندیشه استاد مطهری

۶-۳-۱-۱. هدف غائی تربیت عقل از دیدگاه شهید مطهری

هدف وضع مطلوبی است که فرد شخصاً یا به وسیله متخصصان به طور آگاهانه آن را سودمند تشخیص داده و برگزیده است؛ و برای تحقق آن فعالیت‌های آگاهانه‌ای انجام می‌دهد. به عبارت دیگر هدف نقطه نهایی هر نوع فعالیت معناداری است که توسط افراد یا اجتماع آن‌ها دنبال می‌شود (مهدیان، ۱۳۸۵: ۵۲).

از منظر شهید مطهری انسان در این دنیا می‌تواند به مقامی برسد که شایسته خلقت اوست ایشان رسیدن و دستیابی به مقام انسان کامل را هدف غایی تربیت عقل در نظر گرفته است تا بدین وسیله آدمی بتواند بر نفس و غرایز خویش تسلط یابد و به نهایت راه یعنی باب‌السلامه برسد؛ و بدون شک با رسیدن به باب‌السلامه، حجاب بین انسان و پروردگار برداشته می‌شود و آدمی می‌تواند خدا را با دیده دل ببیند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۲۰۶). از این رو می‌توان غایت تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری رسیدن به مقام انسان کامل است تا از این طریق آدمی به قرب الهی و باب‌السلامه در آخرت برسد.

۲-۳-۶. اهداف کلی تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری

با تحقیق و بررسی در بیانات شهید مطهری، می‌توان اهداف کلی و جامعی در نظر گرفت که این اهداف لازم و ملزوم یکدیگرند و برای رسیدن به مقام انسان کامل ضروری است و از سوی دیگر از درجه کلیت این اهداف نسبت به هدف غائی کاسته شده است. این اهداف کلی را می‌توان تحت عناوین «علم» و «ایمان»، تقسیم و تبیین نمود.

۱-۲-۳-۶. دستیابی به علم نافع

شهید مطهری یکی از اهداف تربیت عقل را رسیدن به علم نافع در نظر می‌گیرند؛ و در این رابطه به نهج البلاغه استناد می‌کند که گاهی به علم گفته‌اند «عقل مسموع» و به عقل گفته‌اند «علم مطبوع»؛ یعنی به عقل، علم اطلاق شده و به علم، عقل با این تفاوت که یکی را گفته‌اند «مطبوع» یعنی فطری و دیگری را «مسموع» یعنی اکتسابی. در حقیقت در تعلیم و تربیت می‌توان ارتباط بین علم و عقل را ارتباط دوسویه‌ای در نظر بگیریم که یکی بدون دیگری معنا ندارد یعنی علم در حقیقت نقش مواد اولیه و خامی را دارد که بدون آن کارخانه اندیشه از کار می‌افتد یعنی عقل اگرچه عالی‌ترین عقل هم باشد بدون علم، به تجزیه و تحلیل چه پردازد؟ یعنی با علم روابط علی و معلولی کشف می‌گردند و با عقل این روابط را می‌توان درک کرد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۷۰۱-۷۰۰). شهید مطهری، علمی را که نافع نباشد، و دانستن و یا نادانستن آن برای آدمی سودی نداشته باشد، علم نمی‌داند ایشان با توجه به آیات قرآنی و روایات اسلامی به تبیین این مطلب می‌پردازد که «در خود قرآن روی خصوصیات تاریخی (یعنی مسائلی که از نظر هدایت و تعلیم و تربیت و اصلاح نفوس مردمان اثر ندارد) مثلاً روی اسم‌ها تکیه نشده است چنانچه پیامبر اکرم به چنین دانش‌های علم اطلاق نمی‌کردند بلکه می‌گفتند: این‌ها فضل است یعنی دانستن این‌گونه مسائل عیب و گناه نیست ولی دانستن واجبات بهتر است به سبب آنکه مسائلی مانند اسامی و یا خصوصیات تاریخی به معنای پر کردن حافظه و دور ماندن از علوم حقیقی است» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۷: ۷۶۰).

۲-۳-۶. دستیابی به ایمان از طریق به کارگیری صحیح عقل

ایمان در لغت از ماده «امن» و «امان» است. یعنی انسان وقتی تصدیق به وجود یک حقیقت مافوقی می‌کند، که قبلاً درباره آن نگرانی داشته است یک امنیت وامان و آسایشی پیدا می‌کند. کلمه «آمن» که از باب افعال است، به نظر می‌رسد از آن نوع باب افعال است که در آن صیوروت اخذ شده، بر این اساس «آمن» یعنی صار ذا امن. «آمن بالله» یعنی صار ذا امن بالله صاحب امنیت شد به وسیله خدا؛ یعنی خدا را شناخت و تصدیق کرد و به موجب شناسایی خدا و تصدیق به خداوند امنیت و نوعی امان و آسایش و آرامش برای او حاصل گردید. نکته دیگر در باب ایمان این است که به هر اعتقادی ایمان گفته نمی‌شود بلکه ایمان در موردی گفته می‌شود که انسان به حقیقتی تسلیم شود که به اصطلاح آرمان خودش را در آن حقیقت می‌بیند. به عبارتی ایمان یعنی اعتقاد و تسلیم شدن نسبت به یک حقیقت آرمانی است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۸: ۷۴۹).

با بررسی و تدقیق در بیانات شهید مطهری، می‌توان این نکته را دریابیم که گرچه ایشان، مفاهیم و تعاریف متفاوتی از ایمان ذکر کرده‌اند ولی در تمامی این تعاریف و مفاهیم وجوه اشتراکی دیده می‌شود و همگی تصدیق‌کننده و متباین یکدیگرند؛ مانند: «ایمان ملاک وحدت و اتحاد است» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۶: ۴۱۲). «گرایش‌های والا و معنوی و فوق حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام ایمان به خود می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۲۴)، «ایمان یعنی یک بینش، یک نوع شناخت خاص از جهان و یک نوع گرایش که منجر به شناخت در آدمی می‌گردد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱۵: ۹۱۸) و شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه خداوند به آدمی عنایت کرده است، ایمان است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۲۷۴). شهید مطهری به کارگیری صحیح قوه عاقله در رسیدن به ایمان و معرفت حقیقی را با اشاره به حدیث منقول از پیامبر تبیین می‌نمایند که فرموده‌اند: «آن کسی که عقلش بیشتر باشد معرفتش بیشتر است. معرفتش که بیشتر شد خداترسی اش بیشتر است. خداترسی اش که بیشتر شد خلوص نیتش بیشتر است. پس همه این‌ها به همدیگر مربوط است» و باز ایشان حدیث دیگری از پیامبر در این مورد نقل می‌کنند که فرموده‌اند: «کسی که عقلش کامل تر باشد، از خدا بیشتر ترسد در آنچه خدا امر و نهی کرده است، بهتر و نیکوتر دقت و فکر می‌کند و شناسایی پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۰: ج

۲۷: ۵۰۸) از این رو با تربیت عقل به گونه‌ای صحیح آدمی می‌تواند به ایمان و حقیقتی برسد که اساس همه کمالات به شمار می‌آید.

از این رو در اینجا لازم است، هدف تربیت عقل در رسیدن به نوع ایمان نیز از منظر شهید مطهری تبیین گردد شهید مطهری ایمان را در سه چیز محقق دانسته: اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل به اعضا که هر سه مانند زنجیر به یکدیگر متصل می‌باشند و یکی بدون دیگری در اصل به معنای عدم تحقق در رسیدن به ایمان حقیقی است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۴۳۶)؛ یعنی در اصل هدف تربیت عقل در بعد ایمان آن است که نخست تفکر و نیت را که سازنده افکار آدمی است، به فعلیتی و کمالاتی که شایسته مقام آدمی است، رهنمون کنیم، سپس نطق و گفتار آدمی را به سمت تبیین و آشکارسازی حقایق ذهنی و اعتقادات درونی سوق دهیم در آخر جسم را مطیع و تابع دستورالعمل‌های ذهن قرار داده، به گونه‌ای که هر عمل آدمی انعکاس و بازتابی از شناخت‌های آگاهانه و دقیق ذهنی باشد. این رو نخستین هدف در تربیت عقل را می‌توان رسیدن به ایمانی دانست که از سه مؤلفه (تفکر، شناخت نظری و شناخت عملی) برخوردار باشد.

۴-۶. یافته‌های مربوط به پرسش چهارم

۴-۶-۱. اصول و روش‌های تربیت عقلانی (با تکیه بر مبانی و دیدگاه‌های شهید مطهری)

اصول تعلیم و تربیت، در حقیقت، مجموعه قواعدی است که با نظر به قانونمندی‌های خاص، اعتبار می‌شوند و راهنمای عمل در تدابیر تربیتی واقع می‌گردند البته، اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند، زیرا هر دو، دستورالعمل‌اند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر، چه باید بکنیم؛ اما تفاوت آن‌ها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند (باقری، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷).

۴-۶-۱-۱. مبانی اول: «عقل عملی متأثر از حالات نفس است»

۴-۶-۱-۱-۱. اصل اول: تربیت عقل عملی از طریق تزکیه نفس

در مباحث پیشین گفته شد که عقل دارای دوشان نظری و عملی است این اصل در ارتباط با قابلیت تربیت‌پذیری عقل عملی است، یعنی عقلی که مبنای علوم زندگی است، مبنای اصول

اخلاقی است و به قول قدما مبنای علم اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن است. در عقل عملی، مورد قضاوت واقعی از واقعیت‌ها نیست که آیا این چنین است یا آن‌چنان؟ مورد قضاوت، وظیفه و تکلیف است: آیا باید این کار را بکنم یا آن کار را؟ این‌طور عمل کنم یا آن‌طور؟ عقل عملی همان است که مفهوم خوبی و بدی و حسن و قبح و باید و نباید و امر و نهی و امثال این‌ها را خلق می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۷۱۳) و مراد از تربیت عقل عملی یعنی چگونگی تکامل و رساندن عقل به گونه‌ای که آدمی بتواند به بهترین و مطلوب‌ترین نحو در این جهان زندگی کند و ارزش‌ها و باید‌ها را همان‌طور که هستند، دریابد. چنانچه بسیاری از مکاتب و مذاهب برای پی بردن به چگونگی زیستن مطلوب با تکیه بر تربیت عقل سالیان دراز تلاش کرده‌اند و سندیت تربیت عقل را برای رسش به باید‌ها و ارزش‌های حقیقی تصدیق نموده‌اند.

۲-۱-۱-۴-۶. روش تزکیه نفس

مراد از تربیت عقل با روش تزکیه و روش‌های فرعی نشئت گرفته از آن، تربیت و تکامل عقل عملی، در مقابل خواسته‌های هوای نفس است، به سبب آن‌که هوای نفس و شهوات، توازن عقل عملی را بر هم می‌زنند و موجب تضعیف عقل عملی می‌گردند. در روش تربیتی تزکیه، به چگونگی طی کردن مراحل تزکیه همچنین رهایی متریان از خواسته‌ها و امیال نفسانی اشاره و این روش مربی می‌تواند با آگاهی و یاری دادن به متریان آن‌ها را در هر گام و مرحله یاری رساند و همچنین مربی با توجه به الگوی مشخص، مراحل سیر به سمت بالاترین مرحله را برای دانش آموزان شرح دهد. مطهری مراحل تزکیه نفس را در مشارطه، مراقبه، معاتبه و معاقبه در نظر است که در همه این مراحل فاعل خود شخص و اراده اوست و با شرط و قراردادی آغاز می‌شود که با خود می‌بندد؛ سپس با مراقبت و حسابرسی از خود ادامه می‌دهد و در صورت اشتباه مجازاتی متناسب با عمل خویش برای خود در نظر می‌گیرد و در نهایت خطای خویش را جبران می‌نماید (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۷۶۰).

۳-۱-۱-۴-۶. روش بهره‌گیری از عنصر تعبد در مسیر زندگانی

شهید مطهری معتقد است «عبادت و پرستش سرلوحه تعلیمات اسلام است و امکان ندارد کسی به مقام انسان کامل دست یابد ولی جایگاهی برای تأدیب و تزکیه نفس نگذاشته باشد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۹۷)؛ بنابراین روش‌های تربیتی به گونه‌ای باشد که بتواند معنویت را در فرد بار

آورد و آدمی را از تهدید عوامل ضد معنوی، مصون بدارد. عوامل بسیاری در طول حیات آدمی می‌تواند موجب قوت و یا ضعف معنویت در او گردد، به‌عنوان مثال تعلیمات که آدمی فرامی‌گیرد، کتاب‌هایی که مطالعه می‌کند و مقالاتی که می‌خواند و سخنرانی‌هایی که گوش می‌کند، همگی بر فکر و اندیشه آدمی مؤثر خواهد بود و برخی از آن‌ها موجب می‌شود فکر و اندیشه قوت یابد و بعضی دیگر موجب یاس و نومیدی می‌شود. «مطهری یکی از علل بیماری‌های فکری قرن حاضر را عدم عبادت و پرستش نام‌برده است و معتقد است اگر انسان ساعتی از شبانه‌روز را به راز و نیاز مشغول شود از غذای روحی و فکری آرامش بهره‌مند می‌گردد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۹۶). از این رو مربی می‌تواند از طریق تعاملات آگاهانه‌ای که بین فرد و محیط تربیتی او به وجود می‌آورد بر معنویت او بیفزاید؛ که برخی از آن‌ها اجمالاً در ذیل تبیین می‌گردد. الف) انس دادن متریان با نماز (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۹۶) و قرآن به‌عنوان تنها منبع فیض و ارتباط انسان با ذات باری تعالی (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۲۰۷). ب) ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی (ج) اجتناب و پرهیز متریان از کتب ضلال در مقاطع تحصیلی بالا (مگر برای افراد معدودی که تحت تأثیر آن‌ها قرار نمی‌گیرند) د- برگزاری سخنرانی‌های در زمینه‌ها و ابعاد مختلف؛ در راستای پاسخگویی به سؤالات و شبهات متریان (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۱۳۱).

۲-۱-۴-۶. مبنای دوم: «تفکر و تعلم ارکان اساسی تربیت عقل است»

۲-۱-۴-۶-۱. اصل اول: تعقل

این اصل، ناظر به ویژگی اندیشه‌ورزی در انسان است. اصل تعقل بیانگر آن است که باید پویش بی‌وقفه فکر و اندیشه آدمی را هدایت کرد (باقری، ۱۳۸۶: ۲۰۱). شهید مطهری معتقد است «انسانی که قوه تعقل، ندارد، جوهر و مغز انسانیت را ندارد، انسانی پوک و پوچ است، یعنی یک صورت انسان است و معنی انسان در او نیست» قدر مسلم چنین انسانی، در کلیه فرایندهای که می‌تواند منتج به کشف حقیقت و دستیابی به واقعیت شود دچار مشکل می‌گردد مگر آن که آدمی بتواند قوه تعقل خویش را به نحو صحیح به کار گیرد. یعنی ابتدا از طریق حواس به دریافت دقیق مسائل و سپس از طریق تفکر به تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری صحیح پردازد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۶۹۳). چنانچه قرآن در آیات ۱۷ و ۱۸ زمر می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ

أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، «آنان که سخن را با دقت می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند، آناناند که خداوند هدایتشان نموده و آناناند همان خردمندان».

۲-۱-۲-۱-۴-۶. روش عادت به تفکر و تعقل

شهید مطهری در مورد تفکر معتقد است که تفکر قوه نشئت گرفته از عقل آدمی است که به واسطه آن آدمی می تواند حقایق را تا حدودی کشف نماید (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۴: ۳۶۹). ایشان تفکر را زیربنای حیات و وسیله دستیابی به جمیع کمالات و افضل عبادت‌ها در نظر گرفته است و می گوید: «در هیچ مکتب و مذهبی به اندازه اسلام به تفکر اهمیت داده نشده است؛ این دین همواره به انسان سفارش کرده است در همه مسائل: تاریخ، خلقت، خدا، انبیا و نبوت، معاد، تذکرات و تعلیمات انبیا تفکر کنند تفکر تا اندازه ای مهم است که در اسلام عبادت محسوب شده است همان طور که اکثر عبادت ابوذر فکر کردن بود؛ یعنی ابوذر که تقریباً بعد از معصومین مردی بی نظیر در درجه ایمان است بیشترین عبادتش فکر کردن بوده است» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۴: ۳۷۰). مطهری می گوید: در اسلام دو باب تفکر و تعلم بسیار مورد بحث قرار گرفته است ولی از بین این دو باب تفکر بیش از تعلم مورد تأکید قرار گرفته است به سبب این که در تفکر، گذشته از نتیجه ای که انسان از فکر خود می گیرد، فکر فرد نیز رشد می یابد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲: ۵۳۰). ایشان داستانی در این مورد ذکر کرده است که حکایت از اهمیت تفکر قبل از هر عملی می دهد «شخصی آمد خدمت رسول اکرم (ص) عرض کرد: نصیحتی به من بفرمایید. فرمود: آیا اگر تو را نصیحتی بکنم عمل خواهی کرد؟ آن مرد در جواب گفت: بلی و تا سه مرتبه این سؤال و جواب بین رسول اکرم و آن مرد ردوبدل شد و در هر مرتبه رسول اکرم به او می فرمود: آیا اگر دستوری بدهم عمل خواهی کرد؟ او در جواب می گفت بلی عمل خواهم کرد. پس از تعهد مؤکدی که رسول اکرم از آن مرد گرفت به او فرمود هرگاه تصمیم کاری را گرفتی اول تدبر و تفکر کن و عاقبت و نتیجه آن را ببین اگر رشد و هدایت است آن را تعقیب کن و اگر شر و ضلالت است از آن دوری کن» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۳: ۷۷۸)؛ بنابراین از دیدگاه این صاحب نظر باید به کودکان فرصت فکر کردن داده شود تا قوه تفکرشان به کار بیفتد و منجر به حل مسئله گردد، همچنین کودکان باید در هر امری به نقشه ذهنی مجهز باشند یعنی قبل از عمل فکر کنند عاقبت اندیشی نمایند بعد تصمیم بگیرند.

۲-۲-۱-۶. اصل دوم: لزوم علم‌آموزی

با توجه به مبنای دوم یعنی ملازمت عقل و علم می‌توان اصلی به نام علم‌آموزی را مطرح نمود. این اصل ناظر به آموختن علم و همراه با آن رشد قوه تعقل در انسان است. فراگرفتن علم رشد عقل را در پی دارد و شرط تعقل مطلوب نیز بهره داشتن از علم است. چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «جز عالمان تعقل نمی‌کنند» (آیه ۴۳ سوره عنکبوت).

۱-۲-۲-۱-۶. روش تجربه‌اندوزی

از منظر شهید مطهری علم در پرتو تجربه حاصل می‌آید (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۲۴). از این رو می‌توان یکی از روش‌های تربیتی را که منتج به علم‌آموزی «تجربه‌اندوزی» اطلاق نمود تبیین و تشریح جایگاه تجربه در جریان تربیت، یکی از عناصر نظریه‌های تربیتی از اعصار گذشته تا قرن حاضر بوده است و در تعالیم دین اسلام نیز جایگاهی بس رفیع داشته، چنانچه حضرت علی (ع) در این باب می‌فرماید: «عقل غریزه‌های است که با علم و تجربه فزونی می‌یابد» (نهج البلاغه، نامه ۷۸: ۸۴۲) شهید مطهری معتقد است بشر علم خود را از تجربه و کار به دست می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۷۹۴). ایشان سفر را راهکار مؤثر در تجربه‌اندوزی و علم‌افزایی در نظر گرفته است و در این زمینه آورده است «تاریخ نشان داده است افراد عالمی که به مسافرت رفته و برگشته‌اند به کمال و پختگی خاصی رسیده‌اند شیخ بهایی و شهید ثانی در میان علما امتیاز خاصی دارند، مردانی سفر کرده و تجربه آزموده که با گروه‌ها و طوایف مختلف در دنیا سروکار داشته‌اند، علما و استاد‌های زیادی در رشته‌های مختلف دیده‌اند و محیط و مردمانی متفاوت از مکان خود را تجربه نموده‌اند به عقیده این صاحب‌نظر شرط علم‌آموزی و تجزیه و تحلیل امور اجازه دادن به خود فرد است که به تجربه‌اندوزی بپردازد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۶۱۰). از این رو مریدان باید سعی کنند به جای این که دانش را به صورت آماده و از راه توضیحات کلامی در اختیار فراگیران قرار دهند، سعی کنند برای متریدان مجموعه‌ای از فعالیت‌های متنوع و علمی فراهم آورند تا آن‌ها از طریق کاوش و جست‌وجو به کشف دانش بپردازند.

۳-۲-۱-۶-۴-۱-۲-۳: مبنای سوم: «تفاوت در عقول امری ذاتی است»

۳-۲-۱-۶-۴-۱-۲-۳-۱: اصل اول: اصل باور نسبت به طبیعی بودن تفاوت عقل در آدمیان

خداوند در مقام ربوبیت وسعت‌های وجودی مختلفی به انسان‌ها عطا کرده که تفاوت عقل در آدمیان یکی از بارزترین آن‌ها است. مطهری علت عدم تساوی در خلقت انسان‌ها را کمال در نظر گرفته است و معتقد است کمال از اختلاف ناشی می‌شود از این‌رو تفاوت عقل در بین انسان‌ها به سبب طبایع متضاد آن‌ها امری طبیعی بوده و همین تفاوت، عقلانی‌ترین دلیل برای تدوین و در نظر گرفتن تدابیر و راهکارهای گوناگون در مواجهه با مقوله تعلیم و تربیت است؛ و تنها از طریق اجرای این تدابیر می‌توان تک‌چهره عدالت را در تعلیم و تربیت، برای همگان میسر کنیم. طبق اصل عدل بر مبنای عقل مطبوع یا عقل خدادادی، روش‌های مترتب به این اصل شامل موارد ذیل است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۲۰۶).

۱-۱-۳-۲-۶-۴-۱-۲-۳-۱-۱: روش توان سنجی عقلی

شهید مطهری به‌عنوان یکی از فیلسوفان معاصر که دیدگاهش متأثر از تعالیم اسلام و شریعت نبوی است، محوریت و منشأ تمامی اعمال و افعال آدمی را وابسته به عقل مطبوع در انسان می‌داند که بدون بهره‌مندی از این قوه خدادادی داده‌ها و شنیده‌ها هیچ سودی نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۷۰۰). ایشان در این زمینه به داستان غیب‌گو و پادشاه اشاره کرده است یک غیب‌گو ورمالی، علم غیب‌گویی ورمالی را به بچه‌اش آموخته بود. خودش در دربار پادشاه حقوق خوبی می‌گرفت. این علم را به بچه‌اش آموخته بود که بعد از خودش، او این پست را اداره کند تا روزی که او را به پادشاه معرفی کرد. پادشاه خواست او را امتحان کند تخم مرغی در دستش گرفت و به او گفت: اگر گفتی که در دست من چیست؟ او هر چه حساب کرد نفهمید که چیست. ابتدا گفت: وسطش زرد است و اطرافش سفید. بعد یک فکری کرد و گفت: این سنگ آسیایی است که در وسطش هویج ریخته‌اند. پادشاه خیلی بدش آمد و بعد پدرش را آورد و گفت: آخر این چه علمی است که به او آموخته‌ای؟ گفت: علم را من خوب آموختم ولی این عقل ندارد. آن حرف اول را از روی علمش گفت ولی این دومی را از روی بی‌عقلی‌اش گفت، شعورش نرسید که سنگ آسیا در دست انسان جا نمی‌گیرد این را عقل آدم باید حکم کند» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲).

۵۲۵-۵۲۶). این داستان مبین آن است که فرزند رمال مسموعات و شنیده‌ها را توسط پدر دریافت کرده است ولی علت عدم موفقیتش نقصان در عقل مطبوع یا عقل ذاتی اش بوده است که باعث شده است مسموعات و تجارب پدر هم برایش بی‌فایده باشد.

۲-۱-۳-۲-۴-۶. روش آموزش مبتنی بر تفاوت‌های فردی

«یکی از شاهکارهای خلقت اختلاف طبیعی افراد و تفاوت آن‌ها در همه ابعاد از جمله بعد عقلانی آن‌هاست خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه همان فردی که در یک‌جهت امتیاز و تفوق طبیعی دارد، در جهت دیگر، فرد دیگری بر او تفوق و امتیاز دارد در نتیجه در نظام خلقت همه مسخر یکدیگر و محتاج به یکدیگرند و هیچ‌کس بر کسی دیگر برتری و تفوق ندارد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۵: ۲۵۴). ایشان معتقد است «حتی دو برادر دوقلو از لحاظ استعداد و خصایل روحی یکسان نیستند یعنی در یک نفر قدرت کار و کوشش بیشتر است و در دیگری استعداد فکری» بنابراین فردیت انسان و جهت‌دهی برای رساندن به فعلیت شایسته‌ترین از ضروریات نظام تعلیم و تربیت رسمی است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۲۰۶).

با پذیرش چنین دیدگاهی در نظام تعلیم و تربیت، مربیان تکالیف و انتظارات یکسان از متربیان نخواهند داشت همان‌طور که خداوند در سوره طلاق آیه ۷ به این مطلب اشاره کرده است که «خدا کسی را تکلیف نمی‌کند مگر به قدر آنچه به او داده است» و همچنین دانش آموزان می‌دانند تفاوت‌های خلقت در جهت کمال است و لزوماً همه نباید هم‌فکر و هم استعداد باشند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۲۰۶).

۴-۲-۱-۴-۶. مبنای چهارم: «کلیه قوانین عقل با فطرت آدمی هماهنگ است»

۴-۱-۲-۴-۶. اصل اول: اصل همسویی تعلیم و تربیت با فطرت انسانی

این اصل مبین آن است که پایه و اساس شخصیت انسانی که مبنای تفکرات او و گرایش‌های متعالی اوست، در متن خلقت آدمی و درون او به ودیعه گذاشته شده است. شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «مایه اصلی ابعاد انسانی اعم از اخلاقی، مذهبی، فلسفی و عقلانی و... صورت نوعیه انسانی و مبدأ فضل او و نفس ناطقه اوست که با عوامل خلقت تکون می‌یابد. نفس ناطقه نخست بالقوه است و تدریجاً به فعلیت می‌رسد. به عبارتی انسان از نظر اصول اولیه فکر و اندیشه و از نظر

اصول گرایش‌ها و جاذبه‌های معنوی و مادی مانند هر موجود زنده دیگر است که نخست همه اصول به صورت بالقوه در او وجود دارد سپس به دنبال یک سلسله حرکات جوهری، این خصیلت‌ها در او جوانه می‌زند و رشد می‌کند. انسان تحت تأثیر عوامل بیرونی، شخصیت فطری خود را پرورش می‌دهد و به کمال می‌رساند و با احیاناً آن را مسخ و منحرف می‌نماید. این اصل همان است که در معارف اسلامی از آن به اصل «فطرت» یاد می‌شود. اصل فطرت اصلی است که در معارف اسلامی «اصل مادر» شمرده می‌شود. بنا بر اصل فطرت، روان‌شناسی انسان بر جامعه‌شناسی او تقدم دارد، جامعه‌شناسی انسان از روان‌شناسی او مایه می‌گیرد. بنا بر اصل فطرت، انسان در آغاز که متولد می‌شد در عین این که متولد می‌شود در عین این که بالفعل نه در کی دارد و نه تصویری و نه تصدیقی و نه گرایش انسانی، در عین حال با ابعاد وجودی علاوه بر ابعاد حیوانی به دنیا می‌آید. همان ابعاد است که تدریجاً یک سلسله تصورات و تصدیقات انتزاعی و (به تعبیر منطقی و فلسفی معقولات ثانیه) که پایه تفکر انسانی است و بدون آن‌ها هر گونه تفکر منطقی محال است و یک سلسله گرایش‌های علوی در انسان به وجود می‌آورد و همین ابعاد است که پایه اصلی شخصیت انسانی انسان به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۲: ۳۹۶۶).

۱-۱-۴-۲-۱-۶. روش هدایت فرایند یادگیری

از آنجایی که خداوند ماده و بذر حق طلبی و حق جویی و حقیقت جویی را در وجود آدمی به ودیعه گذاشته است تنها با در اختیار قرار دادن ماده‌های اولیه تفکر و به اصطلاح فلسفی معقولات اولیه، این بذر می‌تواند به نهالی بارور تبدیل شود. به عبارتی که گاه مربی به جای دخالت در یادگیری تنها آن را هدایت می‌کند، مانند باغبانی که شرایط مناسب را برای رشد و نمو شایسته گیاه به وجود می‌آورد، بدون آنکه در فرایند رشد آن دخالت کند. از این رو مربیان بایستی، همواره قوه عاقله آدمی را نیروی در نظر بگیرند که به صورت خودجوش توانایی رسیدن به حقیقت را دارد و این مطلب نه تنها در مورد احکام علمی صادق است، بلکه گرایش‌های کمال‌جویانه آدمی نیز چنین است. از این رو مربیان بایستی همواره در تعلیم و تربیت متربی را مانند نوار خام در نظر نگیرند که می‌توانند در آن هر آوازی بخوانند، به سبب آن که خواندن هر آوازی در حقیقت به معنای نفی اصالت فطرت است و به مثابه آن است که آدمی موجودی پذیرنده می‌باشد از این رو در آموزش اگر مربی بتواند ماده‌های اولی تفکر کودک را به خوبی و بدون هیچ گونه القاء و اجباری در اختیار

متربی قرار دهد، در این صورت یادگیری به صورت خودجوش در متربی اتفاق خواهد افتاد سپس ایشان می‌گوید: «در آموزش و پرورش، هدف باید رشد فکری دادن به متعلم و جامعه باشد. تعلیم‌دهنده و مربی هر که هست باید کوشش کند که رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل را رشد دهد نه این که تمام همش این باشد که دائم بیاموزید، فراگیرید و حفظ کنید در این صورت این جامعه و فرد راه سعادت را طی نمی‌کنند و با اتکا به نیروی فکر کردن خود شخص است که فرد می‌توان استنباط، اجتهاد و رد فرع بر اصل صحیح کند» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۲: ۵۲۸).

۵-۲-۱-۴-۶. مبنای پنجم: «نقش محیط در تربیت عقل بارز است»

۱-۲-۵-۱-۴-۵. اصل اول: اصل مناسب‌سازی محیط تربیتی

مبنای این اصل، به ویژگی تأثیرپذیری آدمی از شرایط مختلف محیطی اعم از جامعه، رسانه‌ها، هم‌نشینان و کلیه شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی بازمی‌گردد، در حقیقت بخشی از چگونگی تفکر و تعقل آدمی منوط به شرایط مذکور است. این اصل مبین آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد رفتارهای مطلوب بایستی محیط مناسبی را فراهم آورد و محیط تربیت ناامن ناخودآگاه می‌تواند اندیشه و تفکر را که محصول اساسی عقل است، درگیر نماید ایشان معتقد است حتی اگر فردی سالم باشد و محیط او نامناسب باز او از رشد و تعالی ذهنی و اخلاقی باز همانند بذری خوب که در زمینی نامرغوب از بین می‌رود (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱: ۵۷۱-۵۶۸).

۱-۲-۵-۱-۴-۵. روش الگوسازی و الگوپذیری

کارآمدترین و عملی‌ترین شیوه تربیت عقلانی، تربیت با یک نمونه عملی و یک الگوی روشن و نمایان است. این روش، بر جان‌ودل متربی می‌نشیند و وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد کودک در سال‌های نخستین زندگی، از والدین، اطرافیان، همبازی‌ها و هم‌نشینان، و وقتی بزرگ شود از دوستان و شخصیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی الگو می‌گیرد. به همین دلیل، بر والدین، معلمان و مربیان و الگوسازان و تمام کسانی که بر کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارند، لازم است نمونه‌های سازنده از رفتار و کردار مطلوب را در معرض مشاهده وی قرار دهند و در عمل برای او اسوه‌سازی کنند (بهشتی، ۱۳۸۴: ۷۷). برای نمونه، امروزه یکی از عوامل محیطی مؤثر در تربیت

عقل، را می‌توان دانش تکنولوژی در نظر بگیریم. به سبب آن که این دانش موجب افزایش فوق‌العاده انتقال تجربه، از طریق جدا کردن فضا از مکان می‌شود و وقایع دوردست را به آگاهی روزمره تحمیل می‌کند و به این مفهوم، رسانه یک سازوکار قدرتمند ریشه کن کننده است که افراد و وقایع را از شرایط محلی خود برداشته و آن‌ها را بر روی یک صحنه نمایش جهانی قرار می‌دهد. جلوه‌های رسانه‌های بر روی رفتار تأثیر می‌گذارند: «همه افراد به صورت فعال و گزینشی بسیاری از عناصر تجربه غیرمستقیم (به واسطه) را در رفتارهای خود می‌گنجانند، گرچه این کار همواره به صورت آگاهانه انجام نمی‌گیرد (سیل ۱، ۱۳۹۰: ۲۴)، ولی در اندیشه و چگونگی رفتار آدمیان بسیار مؤثر است. امروزه دانشمندان معتقدند ذهن ما از طریق ارتباط با یکدیگر تلافی کرده و متقابلاً از این مواجهه تأثیر می‌پذیرد یعنی رویارویی امری میان ذهنی است و هر دو شرکت کننده بر یکدیگر اثر می‌گذارند (وایت برد ۲، ۱۳۸۴: ۶۳). شهید مطهری معتقد است همه چیز در اطراف ما می‌تواند بر ما تأثیر بگذارد بنابراین باید در انتخاب الگوهای مطلوب زندگی با تفکر و تعمق برخورد کنیم ایشان در این زمینه می‌گویند: «در کتاب خواندن انسان باید انتخاب توأم با تفکر داشته باشد، در رفیق، همکاران و همه اطرافیان به سبب این که تمامی این‌ها بر ذهن انسان تأثیر می‌گذارد و گهگاهی عاقبت و اثرات آن جبران‌ناپذیر به همراه دارد» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲: ۷۶۷).

۶-۴-۱-۲-۵-۱. مبنای ششم: «عقل دارای استقلال و آزادی است»

۶-۴-۱-۲-۵-۱-۱. اصل اول: احترام به آزادی متربی

به نظر شهید مطهری «آزادی یکی از لوازم رسیدن به حیات جاودان و تکامل است. ایشان آزادی را مترادف با نبودن مانع تبیین می‌کنند و معتقدند انسان‌های آزاد انسان‌هایی هستند که با موانع رشد و تکامل خود مبارزه می‌کنند» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳: ۴۳۶)؛ سپس یکی از اقسام آزادی را آزادی فکری در نظر می‌گیرد و بر این باور است که خدا به انسان عقل داده است و عقل برای انسان ملاک و معیار اساسی در رد و یا قبول مسائل است که به واسطه آن آدمی می‌تواند به تجزیه و تحلیل دقیق و ارزیابی صحیح در کلیه امور پردازد تا از این طریق حقایق هستی را آن گونه که هست، دریابد و به حقیقت متصل گردد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۸: ۵۷۲). به عبارتی آزادی عقل از منظر شهید مطهری مترادف با آزادی فکر و تفکر است و با دستیابی به این نوع آزادی است که

1. Seale
2. Whitebread

آدمی می‌تواند از تمامی عادات اجتماعی و موانع رشد عقلانی بگریزد، ایشان معتقدند گاهی ممکن است آزادی‌های فکری از ناحیه خود آدمی سلب شود، یعنی انسان ممکن است در اثر تمسک به یک سلسله خرافات، تعصبات، تحجرات و شهوات، عقل و فکر خویش را مجبوس کند و گاهی دیگر اجتماع و مقررات اجتماعی سلب‌کننده آزادی فکر آدمی است و در نهایت آدمی می‌تواند با ارزیابی و روشن‌اندیشی به مقابله با چنین موانعی بپردازد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۵: ۱۷۱) مطهری می‌گوید: این اصلی است که باید در مورد کلیه شئون زندگی انسان به کار گرفته شود و در این مورد حکایتی نقل کرده است: «عده‌ای از انصار قبل از اینکه پیغمبر اسلام به مدینه تشریف بیاورند، بچه‌هایشان را نزد یهودی‌ها می‌فرستادند چون آن‌ها نسبت به بت‌پرست‌های مدینه متمدن‌تر بودند. این بچه‌ها وقتی که می‌رفتند پیش یهودی‌ها می‌دیدند که ثقافت و فرهنگ آن‌ها نسبت به پدر و مادر و قبیله خودشان خیلی بالاتر است به آن‌ها علاقه‌مند می‌شدند و احیاناً به دین ایشان درمی‌آمدند. وقتی که اسلام به مدینه آمد بت‌پرست‌ها مسلمان شدند ولی اکثر یهودی‌ها به دینشان باقی ماندند. در میان بچه‌هایی که تحت تربیت یهودی‌ها بودند، قرار شد که بنی‌النضیر در اثر خیانت و نقص عهد و پیمان که کرده بودند مهاجرت کنند بچه‌های انصار که به این‌ها علاقه‌مند بودند گفتند اگر بنا است این‌ها بروند ما هم با این‌ها می‌رویم. پدرها خواستند مانع شوند و گفتند شما حق ندارید. نزد پیغمبر آمدند ایشان پاسخ شما اسلام را بر آن‌ها عرضه کنید اگر پذیرفتند که پذیرفتند و اگر نپذیرفتند ما اسلام اجباری هرگز نمی‌خواهیم «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ مطهری» (سوره/۲۵۶). ایشان می‌گویند: در اسلام آزادی تفکر است در اسلام به فرد اجازه انتخاب داده شده است اجازه تفکر و در همه ابعاد و این آزادی پابرجاست است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۳۸۳).

۱-۱-۲-۴-۶. روش جمود ستیزی فکری و بازاندیشی ذهنی

شهید مطهری ضمن قبول و پذیرش آزادی عقل به‌عنوان عامل اساسی در رساندن آدمی به حیات و تکامل، به راه‌ها و روش‌های رساندن آدمی به این آزادی اشاره کرده است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۵: ۱۷۶) ایشان پرهیز از تحجر و جمود را از عوامل مؤثر در آزاداندیشی لحاظ کرده است. مطهری معتقد است جمود مترادف با خشکی‌های بی‌معنی و بی‌جا است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱: ۷۸) که مختص به عوام نیست بلکه هرگونه حرکت انسان به سمت افراط و تفریط منشأ جمود

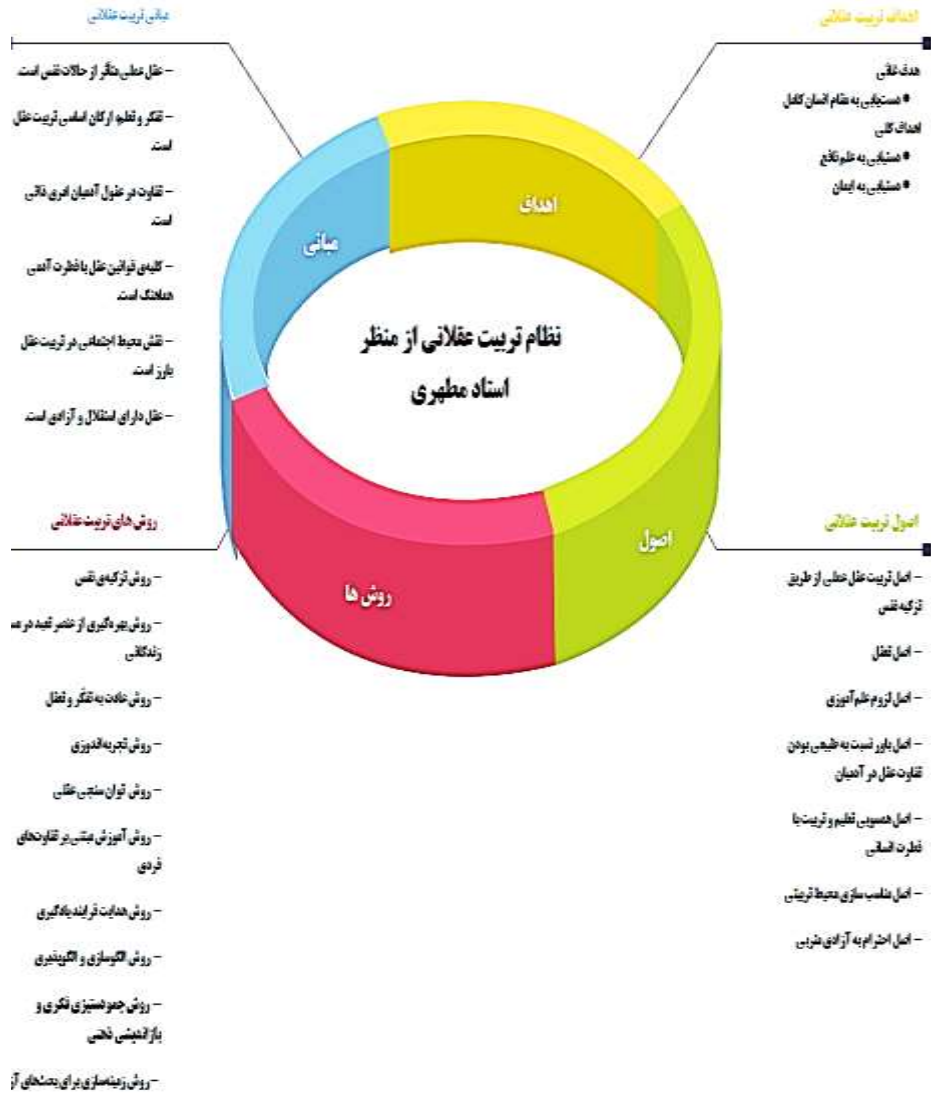
فکری و خاموشی اندیشه است. شهید مطهری ذهنی را که خواهان تلاقی و رویارویی با اندیشه‌های نوین نباشد و کهنه‌پرستی و تمسک به اندیشه‌های گذشتگان را بر اندیشه‌های نوین ترجیح دهد رشد نیافته و اسیر تعریف کرده است او با اشاره به آیات ۱ و ۲ سوره انبیاء، طبیعت مردم را در تنفر و بی‌اعتنایی به هر چیز جدید بازگو می‌نماید و این بیزاری و غفلت آنان را مرهون عدم اندیشه‌ورزی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱۵: ۸۹۰). «روز حساب مردم بسیار نزدیک شده و مردم سخت غافل‌اند و اعراض می‌کنند» (سوره انبیاء/۱)، «این مردم غافل را هیچ پند و موعظه تازه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید جز آنکه آن پند را شنیده و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر می‌گذرانند» (سوره انبیاء/۲). مطهری لزوم عقلانیت در اسلام را کشف و استنباط احکام می‌داند، و تعصب و تبعیت کورکورانه از گذشتگان و یا اتکای محض به استدلال‌ات ذهنی دیگران را مطرود قلمداد می‌کند به سبب آن که تقلید و یا قیاس از دیگران در تعارض با صفات بارز عقل است. ایشان در تبیین موارد فوق به اندیشه‌ها و مسائل فقهی اهل تسنن در اعصار اولیه اسلام اشاره کرده است که چگونه عالمان اهل تسنن، با قیاس (استدلالات ذهنی)، و یا انکار نقش عقل، برای خرد و عقل آدمی جایگاهی در حد افراط و تفریط قائل شدند و مردمان زمان خویش را به سمت جهالت و انقیاد فکری رهنمون کردند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۸۳-۷۲).

با توجه به مطالب فوق لازم است، که برنامه‌ریزان درسی و متصدیان آموزشی با تعمق و بررسی بیشتر به تدوین اهداف آموزشی و تربیتی پردازند و نیازهای نسل کنونی را تابع تقلید، تعصبات و افکار گذشته نکنند به سبب آنکه محصور کردن متریان در اندیشه‌های گذشتگان و یا جبر بیرونی می‌تواند مانع از آزادی و رشد عقلانی در افراد آن جامعه شود و در نهایت بستر و زمینه‌های عدم استقلال، انزجار و گریز از هویت ملی و در نهایت وابستگی فکری به سایر جوامع را فراهم می‌آورد. این در حالی است که اسلام با برداشتن تمامی اجبارها حتی در زمینه دین، به انسان مفهوم عقلانی و روحانی بخشیده است از این رو عدم اجبار در تعلیم تربیت، یافتن مفروضات و کشف مجهولات توسط خود متربی از ارکان آزادی عقل محسوب می‌شود.

۲-۱-۵-۱-۴-۶. روش زمینه‌سازی برای بحث‌های آزاد

شهید مطهری روش تمرین تفکر و عادت دادن ذهن به فکر و اندیشه را تنها راه رسیدن به آزادی عقل در نظر نمی‌گیرد، بلکه به نظر می‌رسد ایشان شرایط حاکم بر جامعه را نیز عامل اساسی

در رسش عقلی و رسیدن به آزادی فکری در نظر می‌گیرند و اظهار می‌دارند در محیط‌های تربیتی بایستی آزادی بیان از طریق بحث‌های آزاد و دیالوگ‌های عقلانی وجود داشته باشد چنانچه در این زمینه می‌گویند «من در محیط دانشگاه به فردی که عقاید ماتریالیستی داشت و گاهی سر کلاس‌ها ابراز می‌کرد، هم به خودش و هم چند بار به وسیله استاد‌های دیگر پیغام دادم که در میزگردی به گفتمان بپردازیم. تو حرف‌هایت را بزن من هم حرف‌هایم را می‌زنم، تو بگو من هم می‌گویم، تو بنویس من هم می‌نویسم، تو فکر خودت را ابراز کن من هم ابراز می‌کنم، تو صریح و بی‌نفاق آنچه واقعاً فکر می‌کنی بگو من هم همین‌طور و این معنایش آزادی فکر است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۱۲۴). ایشان در این رابطه به مباحثات و احتیاجات حضرت رضا (ع) در دوران زعامت خود اشاره کرده است یا کتاب مفضل که کتابی با مضامین توحیدی است که امام به مفضل آموخته است و مفضل توانسته در براهین توحیدی به‌طور آزادانه و منطقی با مخالفین بحث نماید و مخالفین را به‌طور منطقی مجاب نماید. ایشان در محیط‌های تربیتی آزاداندیشی، آزادمنشی و آزادی بیان را برای رشد و حرکت به سمت تکامل لازم و ضروری دانسته است و خفقان‌اندیشه و سلب آزادی فکری را نه تنها منافی با اصل آزادی دانسته است بلکه موجب تشویش خاطر و انزجار از شرایطی محیطی می‌داند و دلیلش این بحث‌های آزاد را در این دانسته که اسلام به منطق و حقانیت خود اعتماد دارد (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۴: ۳۹۸)؛ بنابراین گوش دادن به صحبت‌های دیگران، تحمل دیدگاه‌های مخالف خود، رعایت حق آزادی افراد دیگر و واری انتقادی درک و فهم، نگرش‌ها و ارزشیابی خود و دیگران زمینه‌ساز رسیدن به جامعه عقلانی و رسیدن به رسش و بلوغ فکری فرد و جامعه است.



شکل ۱. نظام تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه‌های استاد مطهری برای تعلیم و تربیت رسمی

۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که عقل انسان تربیت‌پذیر است و هدف تربیت عقلانی در انسان دستیابی و رسیدن به علم نافع و ایمان حقیقی است به تبع برای به فعلیت درآوردن این خلقت الهی باید ذهن انسان را از آبخشور تعالیم اسلام بهره‌مند سازیم برخی از این مبانی که ریشه هدایت انسان است و مطهری با بهره‌مندی از تعالیم اسلام نگاه‌اشته است عبارت است از عقل عملی متأثر از حالات نفس است، تفکر و تعلم، ارکان اساسی تربیت عقل است. تفاوت در عقول آدمیان امری ذاتی است، کلیه قوانین عقل با فطرت آدمی هماهنگ است، نقش محیط اجتماعی در تربیت عقل بارز است، عقل دارای استقلال و آزادی است. همچنین قواعدی از مبانی منتج گردید که عبارت است از اصل تربیت عقل عملی از طریق تزکیه نفس، اصل تعقل، اصل لزوم علم‌آموزی، اصل باور نسبت به طبیعی بودن تفاوت عقل در آدمیان، اصل همسویی تعلیم و تربیت با فطرت انسانی، اصل مناسب‌سازی محیط تربیتی، اصل احترام به آزادی متربی. همچنین در این پژوهش به روش‌های تربیت عقل از منظر شهید مطهری اشاره گردید که تبعیت از این روش‌ها می‌تواند موجب هدایت اندیشه شود؛ روش‌هایی که به کارگیری آن در تمامی نظام‌ها بالأخص نظام تعلیم و تربیت رسمی ضروری به نظر می‌رسد و مهم‌ترین آن‌ها که در این مقاله ذکر گردید عبارت است از روش تزکیه نفس، روش بهره‌گیری از عنصر تعبد در مسیر زندگانی، روش عادت به تفکر و تعقل، روش تجربه‌اندوزی، روش توان‌سنجی عقلی، روش آموزش مبتنی بر تفاوت‌های فردی، روش هدایت فرایند یادگیری، روش الگوسازی و الگوپذیری، روش جمودستیزی فکری و بازاندیشی ذهنی، روش زمینه‌سازی برای بحث‌های آزاد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، جمال‌الدین ابوالفضل. (۱۴۱۶ ق). *لسان العرب (جلد نهم)*. بیروت: دار احیاء.
- ابن ابی الحدید المعتزلی، عزالدین عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۷۸ ق). *شرح نهج البلاغه (جلد سوم)*. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار احیاء کتب العربیه.
- ایمانی، محسن. (۱۳۷۸). *تربیت عقلانی*. تهران: نشر امیرکبیر.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد اول)*. تهران: انتشارات مدرس.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۷). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد اول)*. تهران: انتشارات مدرس.
- بهشتی، محمد. (۱۳۸۴). *تربیت اخلاقی از منظر فیض کاشانی. دوفصلنامه تربیت اسلامی*، (۱)، ۶۷-۹۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: انتشارات اسراء.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۷۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *روان‌شناسی پرورشی نوین*. تهران: انتشارات آگاه.
- سیل، کلایو. (۱۳۹۰). *رسانه و سلامتی (ترجمه ناصر بلیغ)*. تهران: نشر طرح آینده.
- صادقی، محمد. (۱۳۸۸). *گفت‌وگو درباره عقلانیت و نوگرایی*. تهران: انتشارات پایان.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (جلد اول)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عشوری، مریم؛ حیدری، محمدحسین و بختیار نصرآبادی، حسنعلی. (۱۳۹۲). *موانع تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری*. *مجله معرفت*، شماره ۱۹۴، سال (۲۲)، ۱۱۴-۱۰۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ هـ.ق). *العین (جلد اول و دوم)*. تحقیق مهدی المخرومی و ابراهیم السامرای، قم: انتشارات اسوه.
- کیانی، معصومه و صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا. (۱۳۹۰). *تبیین رویکردهای غالب روش‌شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و توصیف روش‌شناختی رساله دکتری. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، س ۱، ش ۲، ۱۱۹-۱۳۲.
- گوتک، جرالد. (۱۳۸۰). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی (ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت)*. تهران: انتشارات سمت.
- مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). *مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی. دوفصلنامه تربیت اسلامی*، (۳)، ۱۱۵-۱۳۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار (جلد اول)*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار (جلد ۱۵)*. چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۲۱). چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۲۲). چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۲۳). چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۲۵). چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار* (جلد ۴). چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار* (جلد ۲). چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار* (جلد ۲۴). چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار* (جلد ۲۶). چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار* (جلد ۲۷). چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار* (جلد ۲۸). چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *مجموعه آثار* (جلد ۵)، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). *یادداشت‌های استاد مطهری* (جلد ششم از بخش الفبائی). چاپ سوم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *یادداشت‌های استاد مطهری* (ج ۸). تهران: انتشارات صدرا.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۷۸). *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)*. تهران: ارسباران.
- نصرآبادی، نصرت. (۱۳۸۹). *تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه آموزشی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- وایت برد، دیوید. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی یاددهی و یادگیری سازمان‌دهی محیط یادگیری*. تهران: انتشارات آبیز.

